

اعلامیه‌ی

در بی طرفی ارتش

۲۲ بهمن ۵۷



مجید مهران

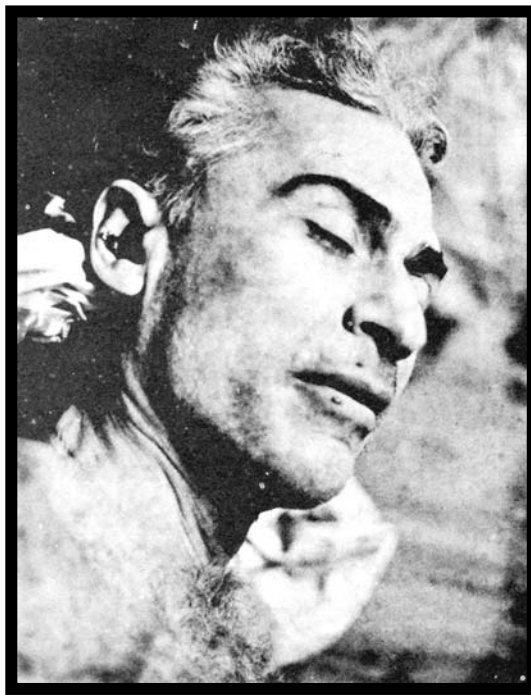
□ در شماره‌ی یازدهم ماهنامه‌ی گرامی **حافظ**، مورخ بهمن ۱۳۸۳، تیمسار سرلشکر ناصر فرید (رییس ستاد ارتش در دولت بازرگان) که از افسران ارشد و نیک‌نام ارتش جمهوری اسلامی می‌باشند، مقاله‌ی جالب توجهی درباره‌ی صدور اعلامیه‌ی بی طرفی ارتش مرقوم فرموده بودند که گوشه‌ی از وقایع مهم ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را که منجر به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی شد، بیان داشتند و

متن اعلامیه‌ی بی طرفی ارتش و اسامی بیست و هفت نفر از امیران ارتش آن روزگار که ذیل اعلامیه را امضا کرده بودند، فاش ساختند که برای بنده آموزنده بود.

مطلبی که برای مخلص جای بحث است و متأسفانه تیمسار سرلشکر فرید سکوت فرمودند و به قول معروف این قصه ناتمام ماند، چند نکته است که از ایشان و هر کدام دیگر از امرای ارتش استدعا دارم با اطلاعات کافی که از سوابق امر دارند، حالا که درست ۲۶ سال از صدور اعلامیه‌ی بی طرفی ارتش می‌گذرد، ناگفتنی‌ها را بر روی کاغذ بیاورند و جوانان این کشور که قلباً مایل هستند درباره‌ی این گونه مسایل مهم سیاسی - تاریخی و نظامی کشورشان بیش‌تر آشنا شوند و انتظار می‌رود توضیحات بیش‌تری درباره‌ی مطالب ذیل مرقوم دارند تا در «ماهنامه‌ی **حافظ**» منعکس شده و

بدین ترتیب ابرهای ابهام از جلوی دیده‌گان ملت ایران دور گردد و حقایقی مربوط به دلایل صدور اعلامیه‌ی بی طرفی ارتش رژیم سابق پس از بیست و شش سال به‌طور شفاف گفته شود. پرسش‌های نویسنده چنین است:

۱- آیا این هفده نفری که از سران ارتش بودند و سمت‌های مهمی در آن دوران داشتند، حقیقتاً «برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیش‌تر»، بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی آن روز اعلام کردند و قریب چهارصد هزار افراد نیروهای زمینی و هوایی و



سرلشکر خسرو داد (پس از اعدام)

۲- آیا شایعه‌ی که همان روزها شنیده می‌شد که ژنرال رابرت هویزر، رییس سابق هیأت مستشاران نظامی امریکا در ایران، برای هدف‌های ذیل به ایران اعزام شده بود، چه قدر صحت دارد؟ آیا امیران ارتش در این مورد چه حقایقی را می‌توانند به ملت ایران برای ثبت در تاریخ بازگو کنند؟

مأموریت ژنرال هویزر

برای روشن شدن مأموریت ژنرال هویزر که در سمت معاونت فرماندهی پیمان ناتو در اروپا که نظارت مستقیم بر هیأت مستشاران نظامی امریکا

را در ایران داشت، به خاطرات ارتشید عباس قره‌باغی، رییس وقت ارتش اشارتی زودگذر می‌نمایم:

وقتی در کمیته‌ی بحران با فرماندهان نتیجه‌ی مذاکرات با مستشاران نظامی را تجزیه و تحلیل کردیم، به این نتیجه رسیدیم که پیشنهادات آن‌ها همان اوامر اعلی حضرت است که فرموده بودند، «چون نخست‌وزیر [شاپور بختیار] دولتی که تشکیل داده‌اند، پشتیبان قانون اساسی است، ارتش شاهنشاهی وظیفه دارد که از دولت قانونی پشتیبانی نماید»، ولی وقتی در مذاکرات بعدی ژنرال هویزر

اظهار کرد که دیگر دولت امریکا از اعلی حضرت پشتیبانی نمی کند و برای برقراری آرامش در مملکت همان طور که ملت ایران می خواهد، مسافرت اعلی حضرت ضروری ست! ما متوجه شدیم که چرا آقای بختیار شرط قبولی تشکیل دولت را مسافرت اعلی حضرت قرار داده است و این مسافرت موقت نیست، زیرا ژنرال هویزر اضافه می کند: «نه تنها دولت امریکا، بلکه دولت های اروپای غربی هم دیگر از اعلی حضرت پشتیبانی نمی نمایند». در حقیقت مفهوم اظهارات هویزر و شرط قبولی بختیار که شاه ایران را ترک کند، همان چیزی بود که مخالفین و آشوب کنندگان روز و شب فریاد می کشیدند و می خواستند، یعنی: «خروج اعلی حضرت از کشور».

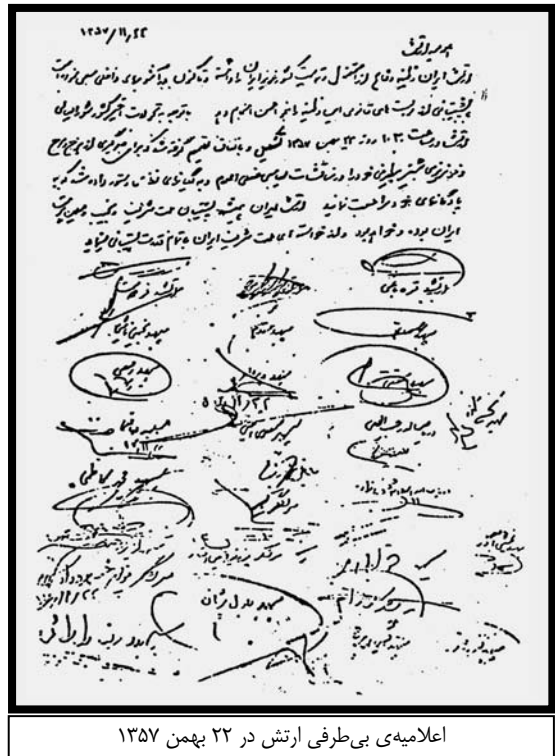
مخالفین و [آیت الله] خمینی ملاقات بکنید» و بلافاصله از ژنرال گس خواست شماره ی تلفن آن ها را برای من بیاورد... قره باغی ادامه می دهد: «ضمن تعجب از پیشنهاد ژنرال هویزر، در جواب گفتم: به نظر من این قبیل مذاکرات موردی نداشته و بی نتیجه می باشد، ارتش و وظایف و مأموریتش روشن است. هویزر اظهار داشت: این ملاقات به نظر من مفید خواهد بود، از این نظر که ببینید آن ها چه می گویند؟»

توضیح نگارنده

این توضیح را نگارنده لازم می داند که نقل گفته های سپهبد قره باغی، دلیل تأیید مفاد آن نیست و شک نیست که انقلاب جمهوری اسلامی از جنبش ملی و خواست ملت ایران نشأت گرفت و نباید هر تحول یا انقلابی را بدون دلیل به دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران بها دهیم و تلویحاً نقش ملت ایران را کم رنگ نماییم. با توجه به خون هایی که شهیدان در راه آرمان های ملی خود ریختند و هزاران پدر و مادر داغدار شدند و گلزار شهدا در شهرستان ها و روستاهای دورافتاده ی ایران گواه این مدعاست، ولی یک نتیجه از خاطرات سپهبد قره باغی می گیریم که ژنرال هویزر حتماً به دستور کارتر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده و از جانب دولت امریکا نمی خواست در ایران حمام خون راه بیفتد و فرض بر این داشتند که اگر دولت بختیار ساقط شود، صلاح ارتش در این است که با امام خمینی و یارانش کنار بیایند و اگر نیک بنگریم، منطق هم چنین حکم می کرد.

در خاتمه امیدوارم با توضیحات کافی و صادقانه ی امیرانی که در آن زمان دست اندرکار بودند، این پرسش های مهم تاریخی روشن شود. ■

توضیحات: ۱- خاطرات ارتشید عباس قره باغی، نشر نی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۸؛ ۲- همان، ص ۱۳۹؛ ۳- همان، ص ۱۳۷؛ ۴- همان، ص ۱۴۷.



هوالباقی

با اندوهی فراوان، خبر فوت آقای سید علی اکبر صدر حاج سید جواد، قاضی بازنشسته ی دادگستری و وکیل پایه یک دادگستری را دریافت نمودیم. ضمن تسلیت به خانواده ی ارجمند ایشان، بدین مناسبت از ساعت ۱۶ تا ۱۷/۳۰ روز شنبه ۸۳/۱۲/۲۲ در مسجد حجت ابن الحسن (عج) واقع در خیابان سهروردی شمالی در سوگش می نشینیم.

عبدالعلی ادیب برومند، پروفیسور سیدحسن امین، دکتر محمدرضا جلالی نائینی، حسین شهبسوارانی، یحیی صادق وزیری، دکتر علی صدارت (نسیم)، عبدالحسین طباطبایی، دکتر شمس الدین عالمی، هوشنگ قوامی، فضل الله کاسمی، محمود صمصامی مهاجر، دکتر سیف الله وحیدنیا.

(روزنامه ی اطلاعات، ۸۳/۱۲/۱۹، ص ۱۵)

اهداف امریکا

مأموریت های هویزر عبارت بود از:

الف - نظارت در جمع آوری و حفاظت مدارک و اسرار مربوط به هواپیماهای اف ۱۴ و موشک های فونیکس، به خصوص در پایگاه هوایی اصفهان... تا پاره یی از وسایل نظامی فوق مدرن به دست مخالفان امریکا نیفتد.

ب - مأموریت دیگری نیز هویزر داشت که درباره ی خروج ۱۲ هزار نفر مستشاران باقی مانده ی امریکایی با افراد خانواده شان از طریق پایگاه های نظامی (به علت وضع بحرانی کشور) و سایر مسایل مربوطه، مذاکره به عمل آورد.

ج - نکته ی جالب در مقالات بعدی ژنرال هویزر به اتفاق ژنرال گریس، رئیس مستشاری ارتش است که سپهبد قره باغی چنین نقل کرده است:

«سپس هویزر اضافه کرد: من فکر می کنم که خوب است تیمسار با مهندس بازرگان و دکتر بهشتی، نمایندگان جبهه ی